

چرایی و چگونگی ساختار نقیضه پردازی در کتاب عقایدالنسا

زینب عرب‌نژاد^{۱*} محمدرضا نصر اصفهانی^۲ غلامحسین شریفی ولدانی^۳ محسن محمدی فشارکی^۴

(تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۳، تاریخ پذیرش: ۹۴/۳/۲۴)

چکیده

عقایدالنسا تألیف آفاجمال خوانساری یکی از ارزشمندترین رسائلی است که به حوزه ادبیات عامه تعلق دارد. این رساله از نظر محتوا ارزش فراوانی در شناخت زنان و به‌ویژه زنان عصر صفوی دارد. اگرچه در این اثر به رفتار و آداب زنان در ارتباط با دیگران، تعریض و انتقاد شده است؛ اما محتوای آن تنها بیانگر روابط و عادات زنان نیست، بلکه اهمیت بسیاری در شناخت اجتماع آن دوران و روابط حاکم بر افراد جامعه دارد. گذشته از اهمیت محتوایی، این اثر از نظر ساختار نیز ویژگی منحصر به فردی دارد. شیوه روایت در این کتاب به سبک نقیضه‌پردازی است. نقیضه‌پردازی یکی از روش‌های طنزپردازی است که چندان به آن توجه نشده است.

تحلیل این اثر با استناد به منابع موجود و نیز با هدف روشن شدن ارزش محتوایی و ساختاری این اثر است. از آنجا که ساختار نقیضی این اثر به یاری نقض و قلب محتوای

* arabnejadz@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

۳. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

۴. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان

رسائل عملیه نگاشته شده، نگاهی اجمالی به محتوای آن نیز بایسته است. بررسی انواع نقیضه، کارکرد این تکنیک و هدف کاربرد این روش، مسائلی هستند که در نوشتار حاضر بدان‌ها خواهیم پرداخت. این رساله از دو جنبه محتوا و ساختار از منابع ارزشمند ادبیات عامه شمرده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: عقایدالنسا، ساختار، محتوا، نقیضه.

۱. مقدمه

ادبیات عامه که معادل اصطلاح فولکلور است، جلوه‌ها و نمودهای بی‌شماری، از قبیل داستان، متل، ضرب‌المثل، ترانه، نمایش و ... دارد. این نوع از ادبیات بیشتر مبتنی بر سنت انتقال شفاهی است و جمعی از مردم عامه در تدوین و شکل‌گیری آن نقش دارند، چنان‌که نمی‌توان خالق واحدی برای آن تعریف کرد. ادبیات رسمی و فاخر کمتر به زندگی مردم فرودست توجه نشان داده است و بسیاری از جنبه‌های زندگی روزانه مردم در آن انعکاسی ندارد و به‌بیانی «صبغه‌ای اشرافی» دارد. در میان کتب و رسائل فارسی کمتر متنی است که کامل به حوزه‌ای ناشناخته از زندگی مردمان گذشته بپردازد و آنچه از این زوایای تاریک به دست می‌آید، اطلاعات جسته و گریخته‌ای است که در ضمن متون دیگر به‌ویژه متون داستانی نگاشته شده است. عقایدالنسا که درباره نویسنده آن اختلاف نظر وجود دارد، یکی از ارزشمندترین رسائلی است که منحصرأ به بخشی ناشناخته از جامعه ایرانی، یعنی زنان پرداخته است.

این رساله که متناسب به آفاجمال خوانساری است و تحقیق در صحت و سقم آن سبک‌شناسی دقیقی از متون شیعی عصر صفوی را می‌طلبد، در ظاهر، از زبان یکی از عالمان دینی و در انتقاد به سهل‌انگاری عقیدتی زنان و تفسیر به رأی ایشان نگاشته شده و در عین حال حاوی مطالب مهم دیگری از اجتماع ناشناخته زنان آن عصر است. درست است که این رساله به روش رسائل عملیه نگاشته شده؛ اما لزوماً در انتقاد به لاقیدی دینی نیست، بلکه به خرافات و رسومی اشاره دارد که گاه به نام دین و یا غیر

آن میان زنان باب شده است. این رساله دریچه‌ای ارزشمند برای شناخت آداب و رسوم زنانه، روابط میان آن‌ها، سرگرمی‌ها و چگونگی گذران زندگی است. *عقایدالنسا* اثری است که هم از نظر محتوایی، هم از نظر ساختاری منحصر به فرد است. استفاده از تکنیک نقیضه‌پردازی این کتاب را به یکی از بهترین نمونه‌های طنز تبدیل کرده است. برای بررسی بهتر این اثر، آن را از دو منظر ساختاری و محتوایی تحلیل خواهیم کرد. اشاره به محتوای این اثر برای شناخت بهتر اصول و روش‌های نقیضه‌پردازی در این اثر خواهد بود.

۲. پیشینه تحقیق

نخستین بار علی بلوکباشی در مقاله «عقاید النساء» (۱۳۴۰) به معرفی این کتاب پرداخت و بعدها در کتاب *نقد و نظر* (همو، ۱۳۷۷: ۱۱۴) فصلی از آن را به گزارشی از این اثر اختصاص داد. محمود کتیرایی (ر.ک: طهوری، ۱۳۴۹) نیز در مقدمه کتاب تصحیح شده خویش به بیان ارزش‌های این کتاب پرداخت. محمدعلی سلطانی (۱۳۷۸: ۵۵-۵۶) و سیدمسعود رضوی (۱۳۸۸: ۶-۵۶) نیز در مقاله‌هایی این اثر و مؤلف آن را معرفی کردند. حسن ذوالفقاری (۳۷۵/۲) در *ادبیات مکتب‌خانه‌ای ایران* آن را معرفی کرده و نیز در مقاله‌ای با عنوان «متن‌شناسی *عقایدالنسا* یا *کلثوم‌ننه* آقاجمال خوانساری» (۱۳۹۳) (با تکیه بر باورها و آداب و رسوم، دین عامه و وضعیت زنان) به بررسی این اثر با رویکردی جامعه‌شناختی پرداخته و بر باورها، دین‌داری عامه و وضعیت زنان در این اثر متمرکز شده است. مقاله حاضر نیز در ادامه پژوهش‌های پیشین، درصدد تحلیل ساختار نقیضه‌پردازی در *عقایدالنسا* است.

۳. روش و ضرورت تحقیق

عقایدالنسا یا *کلثوم‌ننه* تألیف آقاجمال خوانساری یکی از ارزشمندترین رسائلی است که به حوزه ادبیات عامه تعلق دارد. در این اثر به رفتار و آداب زنان در ارتباط با دیگران

تعریض و انتقاد شده است. محتوای این اثر تنها حاکی از روابط و عادات زنان نیست؛ بلکه اهمیت بسیاری در شناخت اجتماع آن دوران و روابط حاکم بر افراد جامعه دارد. گذشته از اهمیت محتوایی، *عقایدالنسا* از نظر ساختار نیز ویژگی منحصر به فردی دارد. شیوه روایت در این کتاب به سبک نقیضه‌پردازی است. نقیضه‌پردازی یکی از روش‌های طنزپردازی در ادبیات کلاسیک و معاصر فارسی است. اگرچه این تکنیک در قیاس با آثار متعدد اروپایی، نمونه‌های چندانی در ادبیات فارسی ندارد؛ اما نمونه‌های موجود نیز، کمتر از این جنبه واکاوی شده‌اند. روش تحقیق در این پژوهش مطالعه کتابخانه‌ای و براساس رویکرد توصیفی - تحلیلی است.

در این مقاله، ساختار اثر با توجه به یکی از مطرح‌ترین نظریات تحلیل زبان، یعنی نظریه کنش‌گفتاری بررسی خواهد شد. افزون‌براین، تحلیل محتوای نقیضی این رساله نیز مدنظر نگارندگان بوده است تا روش و چرایی این اسلوب روشن شود. برخی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که نگارندگان در این مقاله به آن پاسخ می‌دهند، بدین شرح است: علت و غرض کاربرد تکنیک نقیضه در این اثر چه بوده است؟ آفرینش نقیضه در این کتاب با چه تمهیدات و تکنیک‌هایی صورت پذیرفته است؟

کارکرد نقیضه در این اثر، انتقاد و اصلاح‌طلبی اجتماعی است. روشن‌بودن روابط بینامتنی در این اثر و نیز استفاده از کنش‌های زبانی از بارزترین تکنیک‌های استفاده‌شده در خلق نقیضه بوده است.

۴. بحث

۴-۱. معرفی اثر و مؤلف

عقایدالنسا یا *کاشوم‌ننه* قدیم‌ترین اثر موجود در وصف آداب و رسوم و عقاید زنان است. این اثر را به آقاجمال خوانساری نسبت داده‌اند. آقاجمال از خانواده‌ای مذهبی و پدرش از روحانیون برجسته دوره صفوی بود. تاریخ وفات وی را ۱۱۲۵ق نوشته‌اند. آقاجمال هم‌دوره علامه مجلسی و علامه میرزا شیروانی بوده است. او نزد پدر و داییش، محقق

چرایی و چگونگی ساختار نقیضه‌پردازی در کتاب *عقایدالنسا* _____ زینب عرب‌نژاد و همکاران

سبزواری- که هر دو از بزرگ‌ترین علما و فقهای زمان خود بودند- فقه، اصول، حکمت و دیگر علوم اسلامی را آموخت و یکی از فقهای نامی زمان خود شد. وی آثار بسیاری در علوم دینی و فقه نوشته، ولی در کمتر منبعی کتاب *عقایدالنسا* جزو آثارش ذکر شده است و چنان‌که پیش‌تر بیان شد تحقیق در باب صحت و سقم این انتساب نیازمند پژوهش سبک‌شناسی مفصلی درباره آثار علمای شیعی به‌ویژه آقاجمال خوانساری است.

عقایدالنسا به شکل‌های مختلف سنگی و چاپی منتشر و به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و ترکی آذربایجانی ترجمه شده است. این کتاب شامل یک مقدمه، شانزده باب و خاتمه است و باب‌های آن عبارت‌اند از: در بیان غسل، وضو و تیمم، در بیان نماز، در بیان روزه، در بیان نکاح، احکام شب زفاف، احکام و اعمال زاییدن زنان و ادعیه وارده درباره زائو، در بیان حمام رفتن، در بیان سازها و افعال آنها، در بیان معاشرت زنان با شوهران خود، در بیان مطبوخاتی که به نذر واجب می‌شود، در بیان تعویذ به جهت چشم‌زخم (دعایی که به گردن یا بازو می‌بندند تا دفع چشم‌زخم و بلا کند)، در بیان محرم و نامحرم، در بیان استجابت دعا، در بیان آمدن مهمان، در بیان صیغه خواهر و برادر خواندگی و چیزهایی که بعد از خواهرخواندگی برای یکدیگر می‌فرستند. خاتمه کتاب نیز در بیان ادعیه و اذکار متفرقه و آداب کثیرالمنفعه است.

۲-۴. بسترهای سیاسی و فرهنگی مؤثر در تألیف کتاب

بخشی از زندگی آقاجمال و پدرش در زمان شاه‌عباس اول گذشت؛ پادشاهی مقتدر که نهاد مذهب را در سیطره حکومت خود درآورده بود و بر فعالیت عالمان دینی در این دوره به‌دقت نظارت می‌کرد. اما بخش اصلی حیات آنها در دوره جانشینان شاه‌عباس بود که دوره‌ای کاملاً متفاوت در سلسله صفویه شمرده می‌شود. دوره فرمانروایی شاه‌عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ق) اوج شکوفایی ایران در زمان صفویان بود. در این دوران ایران از نظر اقتصادی، گسترش شهرنشینی، افزایش تولیدات و روابط خارجی پیشرفت

چشمگیر داشته است. شاه عباس با تغییر حکومت ایلی و قبایلی به حکومتی متمرکز و نیرومند به نهایت قدرت و استبداد رأی رسید، تا جایی که از او به عنوان مقتدرترین پادشاه صفوی یاد می‌شود. یکی از مهم‌ترین سیاست‌های شاه عباس - که به نظر نگارندگان یکی از علل نگارش متن *کلثوم‌ننه* است - سرکوب و زندانی کردن شاهزادگان برای دفع خطر احتمالی آنان بود.

تا پیش از شاه عباس، شاهزادگان همراه با خادمی مخصوص به نام *آله* در ایالتی به فرمانروایی مشغول می‌شدند و تحت نظارت وی آداب مملکت‌داری و نظامی‌گری را می‌آموختند. در بسیاری از موارد شاهزادگان چنان زیر نفوذ *لگان* قرار می‌گرفتند که به تحریک آنها سر به شورش برمی‌آوردند. شاه عباس برای چاره‌اندیشی خطر شاهزادگان، آنان را در حرم‌سرا محبوس ساخت و به شراب و روابط جنسی افراطی معتاد کرد؛ سیاستی که موجب شد تمامی جانشینان بعد از او در بی‌خبری کامل از اوضاع به سر ببرند، محکوم به زندگی در حرم‌سرا باشند و در انتظار تقدیر بمانند تا اینکه عاقبت به یکی از آنها اطلاع داده شود که برای پادشاهی برگزیده شده است. بدیهی است چنین شاهزاده‌ای هیچ آموزشی برای کشورداری ندیده و تنها دمخور خواجگان و زنان حرم‌سرا بوده است؛ از این‌رو، زنان و خواجگان حرم‌سرا در دوره جانشینان بعد از شاه عباس قدرت بسیاری یافتند. زنان و خواجگان که محرم اسرار و هم‌صحبت این شاهزادگان بودند، چنان قدرت و نفوذی یافتند که شاردن^۱ (۱۶۴۳-۱۷۱۳م) در *سفرنامه* (۱۳۴۵: ۱۶۳/۸) خود می‌گوید: آنها «در حکم هیئت مشاوره‌ای غیررسمی درآمدند که به همه امور تفوق داشتند». به گفته سانسون^۲ (۱۶۲۳-۱۷۰۲م) «کسی که شاهزادگان را اداره می‌کند یک خواجه حرم‌سراست» (ر.ک: ۱۳۴۹: ۱۷۶). نفوذ آنها در تصمیمات مهم کشور آنقدر زیاد بود که تاورنیه^۳ (۱۶۰۵-۱۶۸۹م) نیز در سفرنامه‌اش (۱۳۶۹: ۵۷۲) درباره مشکلات اعتمادالسلطنه می‌نویسد: «در غیاب او خواجه‌سرایان حرم و زنان سوگلی آنچه در روز، اعتمادالسلطنه رشته است، شب‌ها پنبه می‌کنند؛ خاصه

وقتی که شاه جوان به کلی خود را به عیش و عشرت تسلیم کرده بدون اینکه بصیرتی در امور مملکت حاصل نموده باشد».

در نتیجه، در کنار خواجهگان، زنان و اهل حرم در این دوره تاریخی خاص، قدرتی فراوان یافته‌اند و این امر نه به مذاق سیاسیون خوش می‌آمد، نه به مذاق علما. در ضمن باید توجه داشت که علما در دوره صفویه، خود نیروی مهم و تأثیرگذار در سیاست بودند که در موضوعات مهم حکومت به بحث و استدلال می‌پرداختند. با توجه به این اوضاع سیاسی که مختصری از آن ذکر شد، بیراه نیست یکی از علل نگاشته شدن چنین رساله‌ای را متوجه ساختن پادشاه به خلق و خوی مشاوران خویش بدانیم. در شرایطی که خواجه‌سرایان و زنان پادشاه، قدرت فراوانی به دست آورده‌اند، این رساله در حکم ردیه‌ای بر لیاقت مشاوران پشت پرده شاهان خواهد بود. افزون‌بر بستر سیاسی مؤثر در تألیف این کتاب، زمینه‌های فرهنگی هر تولید ادبی را نیز باید در نظر داشت. در این دوره فرهنگی، علمای شیعی به سبب ماهیت مذهبی-عقیدتی حکومت صفوی، آثار بی‌شماری در زمینه علوم و احکام اسلامی به رشته تحریر درآوردند؛ از این رو، این نوع نوشته‌ها در این دوره بسامد بالایی یافت. هم از این روست که متناسب با بافت فرهنگی تولیدات ادبی در جامعه مذهب محور صفوی، نویسنده *عقایدالنسا* سبک رسائل عملیه را برای کتاب خویش برگزیده است. شرایط سیاسی حاکم بر دربار بحران‌زده و متشنج صفوی در دوره پادشاهان پس از شاه‌عباس، و نیز شرایط فرهنگی و مذهبی حاکم بر تولید آثاری با رویکرد عقیدتی، از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تألیف *عقایدالنسا* به سبک و سیاق کنونی است.

۳-۴. ساختار محتوایی

محتوای این رساله چنان‌که از نام آن پیداست به کلی به عقاید زنان می‌پردازد؛ اما افزون‌براین، می‌توان به اطلاعات دیگری در باب زنان دست یافت. در این بخش کوشش شده از طرح نمونه‌ها و عناوین تکراری- که در سایر مقالات به آن‌ها اشاره

شده است- خودداری شود و نمونه‌هایی برای آشناسدن با محتوای نقیضی این اثر معرفی شوند.

۱-۳-۴. روابط میان زنان

یکی از نکات مهم مندرج در این رساله اشاره به روابط میان زنان است. حضور زنان در تاریخ و ادبیات ما چنان کم‌رنگ و ناچیز است که شعر مشروطه را سرآغاز موضوعیت یافتن زنان در ادبیات دانسته‌اند؛ دوره‌ای که از زنان اسطوره‌زدایی کرد (آژند، ۱۳۸۴: ۱۰۱)؛ بنابراین بررسی رساله‌ای که بازتاب گوشه‌ای از زندگانی زنان در چند سده پیش از مشروطه است، اهمیت فراوان دارد. یکی از مسائل مطرح شده در این رساله- که دست‌مایه نویسنده برای انتقاد و تمسخر شده- روابط میان زنان است. این روابط که از سطح مناسبات خویشاوندی فراتر نمی‌رود، همواره با خصومت و بدسگالی توأم بوده است. به نمونه‌های زیر توجه فرمایید:

«اما غسل، هرگاه جاریه داشته باشد و یکی از مادرزن یا خویشان زن حاضر نباشد که از شوهر او مخبر باشد یا شوهر را امین نداند ... در این صورت ترک غسل واجب است ...» (ص ۳).

نویسنده، در این فصل به انتقاد از برتردانستن امور مبتذل بر رعایت احکام شرعی و یا انتقاد از صفت چشم‌وهم‌چشمی میان آن‌ها می‌پردازد:

«اگر زن برادر که به اصطلاح او را جاری گویند، لنگ نو گرفته باشد و شوهر برای او نگیرد، مادامی که شوهرش نگرفته باشد غسل از او ساقط است» (ص ۴).

ارتباط خصمانه و توأم با شک و بدبینی زنان و شوهران، روابط خانوادگی این دوره را شبیه میدان جنگی کرده است که زن و خویشاوندان او در یک‌سوی مبارزه، و شوهر و منتسبان به او در سوی دیگر این جدال هستند؛ جدالی که از سوی زنان بیشتر برای حفظ شوهر و نظام خانوادگی از حضور رقیبی دیگر است؛ نزاعی که نشانگر دغدغه‌ها و دلوپسی‌های آنان برای اثبات جایگاه خود در مقام همسر نخست است.

۲-۳-۴. ارتباط زنان و مردان

نویسنده نسبت به بی‌توجهی زنان در رعایت حدود شرعی و حفظ عفت، با زبانی طنز مطالب فراوانی بیان کرده است که تصویر به‌نسبت روشنی از ارتباط میان زنان و مردان جامعه ارائه می‌دهد:

کسانی که نامحرم‌اند اول عمامه به‌سر ... عمامه هرچه بزرگ‌تر باشد صاحب آن بیشتر نامحرم است، و طالبان علم در هر لباسی که باشند. دیگر علما و پیش‌نمازان و خدام مساجد و روضه‌خوان و واعظ و تاجر و کسانی که به حج رفته باشند. دیگر موذن ... (ص ۲۸).

اما آنان که محرم‌اند یهودی یراق‌فروش، سبزی‌فروش، زردک‌فروش، بزاز، پنبه عوض‌کن، طبیب، رمال، دعانویس جادوگر، مطرب، نقاره‌چی، سرناچی، عمله، کلاه به‌سر، گلوبندفروش ... اگر یهودی یراق‌فروش باشد و اتفاقاً دعانویس هم باشد به اندازه‌ای محرم است که تا هم فیها خالدون ... (ص ۲۸-۲۹).

صنف آخری (دعانویسان) - که نویسنده از آن‌ها نام می‌برد - کسانی هستند که از زنان سوءاستفاده‌های فراوان کردند. آقاجمال نیز به این امر اشاره می‌کند و مایه تأسف فراوان است که این آفت همچنان در فرهنگ ما باقی است و هنوز هم خبرهای فراوانی مبنی بر سوءاستفاده چنین افرادی از ساده‌اندیشی زنان شنیده می‌شود.

۳-۳-۴. سرگرمی‌های زنان

یکی از موارد مورد انتقاد نویسنده، کاهل‌نمازی زنان است؛ او بدین منظور اوقات و زمان‌هایی را نام می‌برد که زنان به‌سبب سرگرمی و تفریح از به‌جا آوردن واجبات دینی غفلت می‌کنند. وی در بیان اوقاتی که نماز ساقط و ترک آن واجب است، می‌گوید:

اول در شب‌های عروسی، دوم در وقتی که سازنده و نقاره‌چی به خانه آمده باشند، سیم وقتی که زن خویشان خود را در حمام ببند، لازم است که ترک نماز کند و احوال شوهرش را به خویشان بازگوید. چهارم روزی که به موعظه‌شنیدن رفته باشد ... (ص ۵).

مسئله حرمت یا حلت موسیقی از مباحث بحث‌برانگیز فقهی در این دوران بوده است. آقاجمال درباره اشتغال زنان به غنا بارها مطالبی را در مقام انتقاد ذکر می‌کند: بدان که دایره‌زدن ثواب عظیم دارد خصوصاً چهل حلقه و هرچه وسیع‌تر باشد، ثوابش بیشتر است و هیچ‌یک از علما اختلاف نکرده‌اند و واجب است که در هر خانه دایره بوده باشد و اگر نباشد کلثوم‌ننه گفته که در عوض در و پنجره و کرسی و سنی می‌توان زد و اگر هیچ‌یک از آن‌ها یافت نشد هر دو دست را بر هم زند و این خالی از قوه نیست (ص ۸)

۴-۳-۴. اعتقادات خرافی زنان

یکی از مهم‌ترین بخش‌هایی که در *عقایدالنسا* به آن توجه شده، عقاید خرافی زنان است. در این بخش‌ها نویسنده به خرافات دینی و احکامی که زنان برساخته‌اند، اشاره می‌کند. از آنجا که در سایر پژوهش‌ها به این جنبه توجه فراوانی شده است (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۳: سراسر اثر)، تنها برای نمونه یک مورد ذکر می‌شود:

«بدان که زنان را چندین روزه می‌باشد که به آن روزه به مطلب خود می‌رسند، اول روزه مرتضی علی و آداب آن این است که باید حرف نزنند و از جهات افطار به خانه‌ها رفته گدایی کند» (ص ۶).

۴-۳-۵. زبان زنانه

عقایدالنسا از نخستین متونی است که به جنبه اجتماعی زبان توجه کرده است و در چند موضع، از زبان مخصوص زنان سخن می‌گوید. توجه به جنبه جنسیتی^۴ زبان یکی از حوزه‌های مطالعاتی جدید در زبان‌شناسی شمرده می‌شود و در آن به تفاوت‌های میان مردان و مردان در استفاده از زبان می‌پردازد. در این بررسی‌ها روشن می‌شود که زبان مردان و زنان از نظر نحو، واژگان، نوبت‌گیری، قطع سخن و ... با یکدیگر تفاوت‌های مشخص دارد. *عقایدالنسا* به واژگان خاص زنان اشاره می‌کند:

چرایی و چگونگی ساختار نقیضه‌پردازی در کتاب *عقاب‌النسا* _____ زینب عرب‌نژاد و همکاران

و کلثوم‌ننه گفته هرگاه مابین آنها نزاع واقع شود باید که اعضای یکدیگر را به دندان بگیرند و در نهایت شدت و غضب بکنند، خصوصاً گوشت فرج یکدیگر را اگر بتوانند بگیرند ثواب بسیار دارد و این را در لغت زنان لقمه گویند (ص ۲۳).
در بیات تعویذ: «... چهارم مهره سفید که آن را ... گره گویند به اصطلاح زنان ...» (ص ۲۶).

«... بر مهمان واجب است که از صاحب‌خانه چیزی بگیرد بخورد مثل حلویات و نبات و خشکبار و این را به اصطلاح زنان سلطان حقی می‌گویند» (ص ۳۳).

افزون‌براین، نویسنده از اصطلاحات رایج دیگری نیز میان زنان نام می‌برد:
«و دده بزم‌آرا گفته که باید پول به زنان داد به جهت آجیل ایشان و هرگاه مرد ندهد زن خرده‌دخلی کند گناهی نکرده و این خالی از قوه نیست ...» (ص ۲۲).

«اجماعی علماست که عروس باید با مادرشوهر و خواهرشوهر، زن‌برادر که جاری یا یاد گویند دشمنی بکند» (ص ۲۳).

در باب چهارم در بیان نکاح می‌گوید:

واجب است که بندها را بگشاید حتی بند زیر جامه و تشتی سرنگون بگذارد و بر تشت چراغ بسوزاند از روغن طعام و بر روی زین بنشیند ... و دیگر چادری که شوهر آورده در وقت عقد بر سر عروس باید انداخت و جمیع علما اتفاق دارند که در وقت عقد نگار نباید بست، زیرا نقشی که در نگار دارد، گویا گرده دارد و در کار عروس گره می‌افتد و روپاک بافته که آن را به اصطلاح روپاک طور می‌گویند، به علت آنکه گره دارد بر سر عروس نباید انداخت ... (ص ۸-۹).

در بحث‌هایی که درباره ریشه و اژه‌ها مطرح بوده است، نیز اطلاعات جالبی ارائه

می‌دهد:

«بدان که در وجه تسمیه سمنو اختلاف است ... وقتی که سمنو را وضع کرده اند سی من آرد و یک من گندم بوده است و آن دو نفر قائل اند سه منو که از کثرت استعمال سمنو شده است ...» (ص ۲۴).

«و عروس چک از موم سازند و کلوننه گوید عروس چک در اصل عروس کوچک بوده از کثرت استعمال عروس چک شده و سایر علما گفته اند عروس چک تصغیر است مثل پسرک و دخترک و غلامک ...» (ص ۳۷).

۶-۳-۴. ترانه‌ها

ترانه‌ها از نخستین تراوشات ذهن زنان و یکی از مهم‌ترین جنبه‌های ادب فولکلور هستند. در این کتاب بارها به انواع ترانه‌هایی که زنان اجرا می‌کرده‌اند و برخی از آنها هنوز رایج است، اشاره شده است:

بدان که آل ضعیف‌اندام و ضعیف‌صورت است و موی سرخ دراز دارد و بینی او گل است، چنان‌که کلثوم‌ننه در وصف او گفته: آل شناختن بود مشکل / گیس او سرخ و بینی‌اش از گل // گر بینی بگیر بینی او / تا ز زائو جگر ندزد و دل (ص ۱۵).

«و دایره‌زدن واجب است و خواندن زنان به صدای بلند: بادا بادا خانوم مبارک بادا / امشب چه شب است شب وصال است امشب / این خانه پر از شمع و چراغ است امشب ...» (ص ۱۲).

و نمونه زیر که ردیف و قافیه سنتی ندارد:

«ماما خطاب به طفل ... کند و بگوید: ای طفل زود بیرون بیا که همه چیزت آماده است. رخت برای تو دوخته‌اند و آب به جهت شستن تو گرم کرده‌اند چیزی باقی نداری زود بیرون بیا» (ص ۱۴).

چرایی و چگونگی ساختار نقیضه‌پردازی در کتاب *عقایدالنسا* _____ زینب عرب‌نژاد و همکاران

و این نشان‌دهنده نقش شعر در دشوارترین اوضاع و احوال زندگی زنان است. آری شعر در این وضع دشوار تفضالی نیک بوده و مرهمی بر درد و رنجی سخت و زنان را به بهبود اوضاع امید می‌داده است.

۵. تحلیل ساختار نقیضه

ساختار اصلی *عقایدالنسا* به شیوه نقیضه‌پردازی نگاشته شده است. نقیضه در زبان فارسی معادل کلمه پارودی^۵ و به معنای تقلید یک اثر جدی، البته با لحن شوخی و مطایبه است. انوشه (۱۳۷۹: ۱۳۷۶) در *فرهنگ‌نامه ادبی فارسی* در تعریف نقیضه می‌نویسد: «نقیضه گونه‌ای جواب است که به تقلید از اثر ادبی دیگری گفته شده و در آن شاعر یا نویسنده نقیضه‌ساز ضمن شباهت نقیضه با اثر / متن تقلیدشده، سبک، لحن یا افکار شاعر / نویسنده را مسخره می‌کند تا خنده‌دار نشان دهد».

در این تعریف نقیضه از انواع جواب دانسته شده است، حال آنکه جواب را معمولاً به تقلید جدی و نظیره‌سازی برای اثبات توانایی‌های شاعر دیگر و نوعی منافست می‌توان تعبیر کرد. هدف نقیضه نیز در این تعریف در حد فکاهی و تمسخر و به عبارتی هجو شاعر مورد تقلید، تقلیل داده شده است؛ حال آنکه نقیضه می‌تواند فراتر از این انگیزه‌های شخصی سروده شود و جنبه‌های انتقادی در این تعریف نادیده انگاشته شده است. نیکوبخت (۱۳۸۰: ۹۹) در تعریف نقیضه می‌گوید:

در عرف ادب نقیضه به نوعی تقلید مسخره‌آمیز ادبی اطلاق می‌شود که در آن شاعر یا نویسنده از سبک و قالب و طرز بیان نویسنده یا شاعر خاصی تقلید کند؛ ولی به جای موضوعات جد و سنگین ادبی، در اثر اصلی کاملاً مغایر و کم‌اهمیت می‌گنجاند تا درنهایت، اثر اصلی را به نوعی تمسخرآمیز جواب گفته باشد.

در این تعریف نیز هدف نقیضه کاملاً شخصی و در حد جواب‌گویی تمسخرآمیز دانسته شده است؛ حال آنکه بررسی این متن نشان‌دهنده اهداف انتقادی والای نقیضه‌پردازی است. از آن جهت که از نقیضه به‌عنوان اصطلاحی در برابر پارودی

انگلیسی استفاده می‌کنند، باید گفت در اساس یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های پارودی در ادبیات انگلیسی وجود عنصر انتقاد- نه به معنای هجو و انتقام‌گیری شخصی- است. پارودی از قرن هجدهم و هم‌زمان با تغییرات گسترده سیاسی و اجتماعی بسیار مورد توجه ادبای اروپایی قرار گرفت. وجود نمونه‌های متعددی از نقیضه‌های اروپایی که تنها با هدف انتقاد از یک ژانر ادبی و یا شرایط ویژه اجتماعی و سیاسی نگاشته شده، حاکی از این امر است؛ اما در بیشتر پژوهش‌های مربوط به *عقایدالنسا* این جنبه پنهان مانده و به آن اشاره نشده است، تنها حسن ذوالفقاری (۱۳۹۳: ۱۳) در مقاله «متن‌شناسی *عقایدالنسا*» به این جنبه مهم اشاره کرده است. وی به ماهیت انتقادی این اثر نیز می‌پردازد و می‌گوید: «کتاب از آنجا که نقیضه رساله‌های عملیه است می‌تواند نقد آن‌ها نیز باشد» (همان، ۲۰).

در بخش تحلیل ساختار، نخست به غرض و تألیف نقیضه‌پرداز و سپس به انواع و روش‌های نقیضه‌پردازی در این متن می‌پردازیم.

۵-۱. غرض نقیضه

غرض نویسنده در استفاده از تکنیک نقیضه‌پردازی اهمیت فراوانی در کیفیت و نتیجه کار او دارد. در ادبیات اروپایی علت و غرض از به‌کار بردن پارودی انتقاد است و انتقاد یکی از مؤلفه‌های اساسی در تعریف پارودی است؛ زیرا هر نویسنده تنها به صرف تقلید خنده‌دار یک اثر، پارودیست نام نمی‌گیرد؛ چه‌بسا مقصود و غرض نویسنده از این تقلید، پاسداشت و احترام به صاحب اثر است و به هیچ روی قصد انتقاد یا تمسخر وی را نداشته باشد. این نوع از تقلید طنزآمیز در ادبیات اروپایی پاستیش^۶ نامیده می‌شود. این همان رویکردی است که در بسیاری از متون نقیضه فارسی، از جمله *دیوان ابواسحاق اطعمه* وجود دارد؛ یعنی نقیضه‌ساز با احترام و پاسداشت، از شاعران مورد تقلید یاد می‌کند و به هیچ روی قصد تمسخر یا انتقاد از اشعار آنان را ندارد؛ اما در عرف نقد ادبی فارسی نقیضه- معادل پارودی- نامیده می‌شود. *تذکره‌النسا* از جمله

چرایی و چگونگی ساختار نقیضه‌پردازی در کتاب *عقاب‌الینسا* _____ زینب عرب‌نژاد و همکاران

معدود متون نقیضی است که با هدف و غرض انتقاد اجتماعی نگاشته شده است؛ غرضی که در محتوای این اثر به وضوح به چشم می‌خورد.

۲-۵. انواع نقیضه

منظور از انواع نقیضه در این متن شیوه‌هایی است که به کمک آن‌ها متن ساختار نقیضی یافته است. نقیضه‌پردازی در این متن را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱. نقیضه در ساختار کلی متن، ۲. نقیضه در فحوای متن.

۱-۲-۵. نقیضه در ساختار کلی متن

این رساله به تقلید از شیوه رساله‌های عملیه نگاشته شده است. رساله‌های عملیه رساله‌هایی هستند که فقها آن‌ها را درباره احکام اسلامی برای عمل کردن پیروان خود می‌نوشته‌اند. شیوه تبویب، پرداختن به احکام (البته در این متن احکام من‌عندی زنان)، استفاده از واژگانی که خاص این نوع رساله‌هاست و نیز استفاده از چینش خاص نحوی و کنش‌های رایج در این رساله‌ها از روش‌های مورد استفاده نویسنده در نقیضه‌پردازی است. اگر برخی از جملات سائر در این رساله‌ها را از متن برداریم، این متن تنها در انتقاد و گاه توصیف آداب و باورهای زنان است. برای تحلیل دقیق‌تر کنش‌های حاکم بر این متن - که مهم‌ترین تکنیک این متن در نقیضه‌پردازی بوده است - بجاست نخست مختصری از نظریه جان سرل در بحث کنش‌های گفتاری را بیان کنیم.

نظریه کنش گفتاری که امروزه به نام سرل شناخته می‌شود، پیش از وی از سوی آستین پی‌ریزی شد و به تعبیر درست‌تر، بنیان‌گذار واقعی این نظریه آستین است. آستین نمود آوایی یا صوری جمله را پاره‌گفتار، و اعمالی را که پاره‌گفتارها انجام می‌دهند، کنش‌های گفتاری^۷ می‌نامد.

سرل در مقاله «کنش‌های گفتاری غیرمستقیم»^۸، کنش‌های گفتاری را به پنج دسته

مهم تقسیم کرد:

۱. اظهاری^۹: هدف بیانی این کنش توصیف حادثه یا حالتی است. به اعتقاد سرل، مهم‌ترین خصیصه این کنش‌ها قابل‌اثبات‌بودن و صدق و کذب‌پذیری آن‌هاست. به عبارتی دیگر، این دسته از افعال بیانگر اعتقادات گوینده هستند و محتوای گزاره را با جهان خارج تطبیق می‌دهند (به قول او رویکردی *word to world* دارند). گوینده درصدد گفتن این مسئله است که چیزها و اشیاء چگونه‌اند. برخی از افعالی که در این گونه کنش‌ها استفاده می‌شوند، عبارت‌اند از: تأییدکردن، تصدیق‌کردن، بیان‌کردن، اظهارکردن، شرح‌دادن، دلیل‌آوردن، گزارش‌دادن و

۲. ترغیبی^{۱۰}: در این اظهارات، گوینده از شنونده می‌خواهد کاری را به انجام برساند یا از انجام کاری دست نگاه دارد. این گونه اظهارات را می‌توان به اعتبار دسته‌بندی‌های سنتی همان امر و نهی دانست. در این کنش‌ها گوینده می‌کوشد جهان را با محتوای گزاره‌ای کنش تطبیق دهد (به قول سرل رویکردی *world to word* دارند). این کنش بیانگر خواست‌ها و تمایلات گوینده است و نمونه بارز آن را می‌توان در درخواست‌ها، پرسش‌ها و اوامر و نواهی مشاهده کرد. از جمله فعل‌هایی که در این گونه کنش‌ها به کار می‌رود، می‌توان به این موارد اشاره کرد: اجازه‌دادن، التماس‌کردن، خواهش‌کردن، تقاضاکردن، اصرارکردن، توصیه‌کردن، توضیح‌خواستن و

۳. تعهدی^{۱۱}: در این گونه اظهارات گوینده به انجام کاری متعهد می‌شود و این تعهد را در قالب افعالی مانند سوگندخوردن، قول‌دادن، تعهدکردن و ... نشان می‌دهد. درحقیقت او درصدد تطبیق جهان خارج با محتوای گزاره‌ای کنش است (رویکردی *world to word* دارد). برخی از افعال به‌کار رفته در این کنش عبارت‌اند از: موافقت‌کردن، قول‌دادن، ضمانت‌کردن، تعهدکردن، تقدیم‌کردن و

۴. بیانی یا عاطفی^{۱۲}: هدف غیربیانی این کنش ابراز احساسات و عاطفی است که گوینده با شخص یا اشخاص دیگری سهیم شده است. درواقع، کنش بیانی با بیان یک گزاره احساسی در فرد به‌وجود می‌آید و در قالب این کنش به ابراز آن می‌پردازد. در این گونه اظهارات گوینده احساسات خود از قبیل تشکر، ابراز همدردی، بیان تسلیت،

تبریک و ... را بیان می‌کند. اهانت کردن، ناسزاگفتن، همدردی کردن، تعجب کردن، سلام کردن، تمجید کردن، احترام گذاشتن، تشکر کردن و ... از جمله افعالی هستند که در این کنش به کار می‌روند.

۵. اعلامی^{۱۳}: هدف غیربیانی این کنش اعلام شرایط تازه‌ای برای شنونده است. با این اعلام‌ها تغییراتی واقعی در جهان ایجاد می‌شود. این کنش ناشی از قدرت گوینده در ایجاد تغییرات است، مانند جمله «تو را به مدیریت این بخش منصوب می‌کنم» که برخی از افعال به کار رفته در این کنش عبارت‌اند از: اعلام کردن، انتصاب کردن، برکنار کردن و ...

افزون بر این کنش‌ها، سرل از دو دسته کنش‌های مستقیم و غیرمستقیم نام می‌برد. وی معتقد است برخی از کنش‌ها دو معنا دارند؛ معنای تحت‌اللفظی و معنای ثانویه. در واقع، در کنش غیرمستقیم گوینده چیزی فراتر از معنای تحت‌اللفظی کلمات را به شنونده منتقل می‌کند که این مسئله براساس اطلاعات پیش‌زمینه‌ای قبلی است که به صورت دوجانبه میان شنونده و گوینده وجود دارد. در این‌گونه کنش‌ها گوینده می‌خواهد شنونده را متوجه قصد و نیت خود کند و منظور او معنای تحت‌اللفظی کلمات نیست (Searl, 2007: 60). برای مثال به عبارت زیر توجه فرمایید:

- باید به نمایشگاه برویم و الا دیر می‌شود.

- من هنوز آماده نیستم.

معنای اولیه در اینجا رد سخن گوینده اول است و معنای ثانویه، همان معنای تحت‌اللفظی است که نشان می‌دهد گوینده دوم آماده نیست.

کنش‌های غیرمستقیم در مواردی چون درخواست مؤدبانه، خواستن و تمایل به انجام کاری و ... مورد استفاده قرار می‌گیرد (ibid, 68).

حال با توجه به مطالب گفته‌شده برخی از نمونه‌های این کنش‌ها را در *عقاید النسا* بررسی می‌کنیم.

اجماعی علماست که صیغه خواهرخواندگی باید در روز عید غدیر خوانده شود و به غیر از این روز صحیح نیست و باید که در یکی از امامزاده‌ها خوانده شود و دایره‌زدن سنت مؤکد است و بعضی به وجوب قائل‌اند و قول اول اقوی است و مستحب است که شربت پخش کنند.

نویسنده با استفاده از کنش‌های گفتاری حاکم بر رساله‌نویسی و نیز واژگان رایج در این متون، اسلوب رسائل عملیه را نقیضه کرده است. اگر قسمت‌های مشخص شده را از این متن بگیریم و یا واژگانی مترادف، متناهی یا ناهمی، را به جای آن بگذاریم، متن از حالت نقیضه خارج می‌شود.

کنش‌های این متن در بیشتر موارد ترغیبی و به شیوه رسائل عملیه شامل امر و نهی و باید و نباید است. در این متن اگرچه به شکل مستقیم از افعال عاطفی که شامل اهانت، تحقیر، تمجید و .. است، استفاده نشده؛ اما کارکرد کنش‌های ترغیبی در این متن همانا عاطفی و در تقبیح باورهای زنانه است. کنش‌های ترغیبی امر و ناهمی و مختص رسائل عملیه هستند؛ بنابراین نویسنده از همان کنش‌ها اما با منظوری دیگر بهره جسته است. این امر سبب شده است خواننده به رابطه بینامتنی میان تذکره‌النسا و رسائل عملیه پی‌برد. جملات بیشتر با کنش ترغیبی آغاز شده و در پی آن کنشی اظهاری می‌آید که توصیف‌گر هستند، مانند نمونه‌های زیر:

بدان که گریستن عروس و مادرشوهر در شب عروسی واجب است.

و بدان که داماد محرم به جمیع زنان است.

فرمول بیشتر این جملات بدین شکل است: کنش ترغیبی + کنش اظهاری.

نویسنده به شکل گسترده‌ای از کنش‌های غیرمستقیم بهره جسته است. در این متن نویسنده متن را به گونه‌ای تنظیم کرده که امور غلط را واجب و مستحب شمرده و به عبارتی حقیقت را وارونه جلوه داده است. او در هیچ جای این متن به صورت مستقیم به تقبیح خرافات و اعمال و رسوم زنان نپرداخته است؛ اما مخاطب بی‌هیچ دشواری نیت حقیقی نویسنده را درمی‌یابد. علت این امر در انکار بدیهیات از سوی نویسنده

است. وقتی بدیهی‌ترین اموری که مخاطب آن‌ها را جاهلانه درمی‌یابد، از سوی نویسنده حقایقی مسلّم و با حسن و قبح شرعی معرفی می‌شود، خواننده به معنای ثانویه آن‌ها پی‌می‌برد. به‌بیانی‌دیگر، ماهیت و جوهره طنز در انکار و تمسخر واقعیت و وارونه‌جلوه‌دادن حقیقت، مهم‌ترین تکنیک نقیضه‌پردازی این متن است؛ تکنیکی که به کمک استفاده از کنش‌های غیرمستقیم اعمال شده است. به قول باختین (۱۳۸۷: ۱۰۵) با زبان طنز و خنده است که «زبان از باوری خشک و معلق در چهارچوب محدود نفوذناپذیر و مهر و موم‌شده دنیای تک‌مفهومی به فرضیه‌ای مؤثر برای درک و ارائه واقعیت تبدیل می‌شود».

۲-۲-۵. نقیضه در فحوای متن

افزون‌بر ساختار کلی این متن که به شیوه نقیضه‌پردازی نگاشته شده است، در فحوای متن نیز به مواردی از نقیضه‌سازی برمی‌خوریم که البته بی‌ارتباط با ساختار کلی آن نیست، برای مثال نویسنده دعایی برساخته را بدین شکل نقل می‌کند:

در وقت نقره هیچ دعایی رد نمی‌شود و این دعا را بخوانند: توکلوا علی غیرالله، ان کُنتُم فاسقین و ان تسمعون حَرفَ الشیطانِ فَسَجِدُوا البقره ان کنتن ساجدین. اوصیکم بترک الصلوة و اکل الصوم ان کنتم سامعین و تَشْتَعِلُوا بضرِب الدف و اللذنبک ان کنتم عاقلین. اللهم انی اسئلك بل سئلت غیرک ان یَعْقَدَ لسانَ زوجی و زوجة اخیه و امه و اییه و اخته و موالیه و ان یحفظی من شر جمیع اعدائی سیما ما ذکر اسمعهم و ان یضیق اسافل اعضائی و ان یقذف محبتی فی قلب زوجی و اذا مات یبلغنی فی ساعه وفاته. استجب دعائی بحق اعدائک التنبلین البیعارین البکارین یا اصم السامعین (ص ۳۰).

این‌گونه نقیضه‌سازی نیز در راستای اهداف کلی متن بوده است. همان‌گونه که متن فحوایی مذهبی دارد، نویسنده به نقیضه یک دعا- نه یک شعر- پرداخته است. نویسنده در ساختار اصلی دعا دست نبرده و از کنش‌های دعا که شامل افعال امر و نهی و شرطی

است استفاده کرده و تنها محتوا را تغییر داده است که البته می‌تواند تعریض به کسانی باشد که بی‌آنکه معنای جملات عربی را دریابند، آن‌ها را پیوسته تکرار می‌کنند. همچنین این نقیضه نشانگر اشتغالات ذهنی دنیای مادی زنان است و نشان می‌دهد که چگونه در حاجات و آمال آنان اثر می‌گذارد.

«اگر العیاذ بالله کسی در این امر عقیده سستی داشته باشد در حکم کفر او تأملی نیست و وارد شده: اذا ترک امره طبخ السمون، لعنت فی الدنيا والاخره ... و نیز دیگر احادیث در این باب بسیار دیده شده ...» (ص ۴۲).

در این گونه نقیض، خواننده به روشنی درمی‌یابد که هدف نویسنده طنز و شوخی است. در اساس کارآیی نقیضه در پی بردن خواننده به جوهره تقلیدی بودن و نظر داشتن آن به متنی دیگر است. اگر خواننده به روابط بینامتنی موجود میان اثر مورد تقلید و نقیضه پی‌نبرد، نقیضه کارکرد خویش را از دست می‌دهد و هرگونه لذت ادبی ناشی از این خصیصه در آن خنثی خواهد شد. در کتاب *تذکره‌النسا* خواننده با وجود گذشت دوپست‌واندی سال از زمان نگارش کتاب، کارکرد نقیضه‌وار اثر را درمی‌یابد؛ زیرا هنوز در جامعه ما رسائل عملیه کارکرد گذشته خویش را دارند. پس خوانندگان معاصر به خوبی با سرمشق و به عبارتی میزبان نقیضه، آشنا هستند. *تذکره‌النسا* با لانه‌گزینی در ساختار نحوی، واژگانی و صوری رسائل عملیه محتوای آن‌ها را مقلوب کرده؛ اما در ساختمان و فرم ظاهری آن‌ها دست نبرده است. این کتاب از آنجا که مانند *اخلاق الاشراف* عبید زاکانی به اثری خاص نظر ندارد و یک ژانر را مورد نقض قرار می‌دهد، خوانندگان آشنا به متون اسلامی می‌توانند تا قرن‌ها آن را بخوانند و غرض و هدف نقیضی آن را درک کنند. اثر عبید با آنکه از بهترین نمونه‌های نقیضه‌پردازی در ادب فارسی است، برای خواننده امروزی بی‌نیاز از شرح و بیان نیست؛ زیرا *اخلاق الاشراف* به یک اثر خاص، آن هم نه در حد شهرت و محبوبیت کتاب‌هایی امثال *بوستان* و *گلستان* نظر دارد و مخاطب برای فهم ارزش و ساختار نقیضی اثر باید نخست نگاهی به کتاب *اخلاق ناصری* خواجه‌نصیر - که *اخلاق الاشراف* نقیضه آن است - بیندازد. در *عقایدالنسا*

چرایی و چگونگی ساختار نقیضه‌پردازی در کتاب *عقایدالنسا* _____ زینب عرب‌نژاد و همکاران

میراث فرهنگی و مذهبی مشترک میان نویسنده کتاب و خوانندگان، پیش‌زمینه‌ای بسیار مؤثر برای پی‌بردن خواننده به شبکه روابط بینامتنی این اثر با ابرمتن^{۱۴} است. لذت ناشی از گره‌گشایی و آشنایی‌زدایی این متن را برای خوانندگان امروزی جذاب و خواندنی کرده است.

نتیجه‌گیری

نقیضه‌متنی است که به قول باختین چندین صدا در آن به گوش می‌رسد. صدای متن نخستین و نقیضه آن شاید آشکارترین دیالوگ این‌گونه متون است. *عقایدالنسا* صرف‌نظر از این دیالوگ دوسویه- که در همه متون نقیضه برجسته است- صدای آمال، دردها، نگرانی‌ها، سهل‌انگاری‌ها و ساده‌اندیشی زنانی است که در سایر متون کلاسیک سهم ناچیز و نزدیک به هیچ داشته‌اند. این متن اگرچه در انتقاد به بی‌خردی و خرافه‌پرستی زنان و نیز تساهل مجعول اینان در امور دینی است؛ اما در دل خود نیمه پنهان و مستور جامعه ایرانی و نیز ارتباط آن‌ها با سایر افراد جامعه را بازتاب می‌دهد. محتوای این کتاب برای پی‌بردن به هویت ایرانی- که تنها هویتی مردانه نیست و در کنار زنان این سرزمین معنا می‌یابد- امری بایسته و ضروری است. محتوای این رساله و چرایی استفاده از تکنیک نقیضه، باید با توجه به شرایط تاریخی و سیاسی آن دوره- که حاکی از اقتدار حرم‌سرا در امور سیاسی کشور و هرج و مرج‌های ناشی از بی‌کفایتی شاه است- و نیز شرایط فرهنگی حاکم بر عصر صفوی- که مصادف با فزونی نگارش آثار شیعی است- مطالعه شود. با این دیدگاه می‌توان ظرافت دقیق نویسنده را در انتقاد به حکومت دریافت. ساختار منحصربه‌فرد این رساله که به روش نقیضه‌پردازی نگاشته شده است، نه تنها ارزش محتوایی ویژه‌ای دارد، بلکه تکنیک‌های زبانی خاص خود را می‌طلبد. انتخاب اسلوب نقیضه در درجه نخست با ماهیت انتقادجویانه‌ای که در دل آن نهفته است، بیانگر نقد است؛ اما این اثر در دل خود نیز محتوایی سراسر پر از انتقاد و اصلاح‌طلبی دارد. این متن با وارونه‌کردن زبان، کنش‌هایی غیرمستقیم می‌آفریند که با

مستقیم‌ترین معنایی موضع حقیقی نویسنده را آشکار می‌کند. بررسی این نوع متون نشان می‌دهد نقیضه در ادبیات ما جدا از جنبه سرگرمی آن، وجوه طنزآمیز بسیار جدی دارد؛ طنزی که به صریح‌ترین شکل ممکن کم‌وکاست‌ها و کمبودهای جامعه را نشانه می‌گیرد و با زبانی تند سعی در اصلاح آن‌ها دارد. آشکاربودن روابط بینامتنی این کتاب- که از مهم‌ترین تکنیک‌های نقیضه‌پردازی آن است- با رسائل عملیه سبب شده است تا خواننده امروزی به‌روشنی به ماهیت نقیضه اثر پی‌برد و همین امر سبب لذت‌بردن از طنز حاکم بر این اثر است؛ زیرا نقیضه‌ای که نتواند ماهیت نقیضی خود را عیان کند، در واقع کارکرد و غرض خویش را نیز از دست خواهد داد.

پی‌نوشت‌ها

1. Jean Chardin
2. Sansoun
3. Jean-Baptiste Tavernier
4. gender
5. parody
6. pastiche
7. speech act
8. indirect speech acts
9. representative
10. directive
11. commissive
12. expressive
13. declarative
14. Hypertext

منابع

- آزند، یعقوب (۱۳۸۱). *تجدد ادبی در دوره مشروطه*. تهران: انجمن قلم ایران.
- اخوان ثالث، مهدی (۱۳۷۴). *نقیضه و نقیضه‌سازان*. به کوشش ولی‌الله درودیان. تهران: زمستان.
- انوشه، حسن (۱۳۷۹). *فرهنگ‌نامه ادبی فارسی*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- باختین، میخائیل (۱۳۸۷). *تخیل مکالمه‌ای*. ترجمه رویا پورآدر. تهران: نشر نی.

- چرایی و چگونگی ساختار نقیضه‌پردازی در کتاب *عقایدالنسا* _____ زینب عرب‌نژاد و همکاران
- بلوکباشی، علی (۱۳۷۷). *نقد و نظر (معرفی و نقد آثاری در ادبیات مردم‌شناسی)*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۶۹). *سفرنامه تاورنیه*. ترجمه ابوتراب نوری. چ ۴. تهران: کتابخانه طهوری.
- ترادگیل، پیتز (۱۳۷۶). *زبان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه محمد طباطبایی. تهران: آگه.
- تمیم‌داری، احمد (۱۳۸۲). *فرهنگ عامه*. تهران: مه‌کامه.
- خوانساری، آقاجمال (۱۳۴۹). *عقایدالنسا (کلثوم‌ننه)*. تهران: طهوری.
- ----- (۱۳۴۹). *کلثوم‌ننه با طرح‌های بیژن اسدی‌پور*. تهران: مروارید.
- خوانساری، میرزا محمدباقر (۱۳۴۹). *عقایدالنسا (کلثوم‌ننه) و مرآت‌البهائم*. به‌کوشش محمود کتیرایی. تهران: طهوری.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۳). «متن‌شناسی *عقایدالنسا* یا *کلثوم‌ننه* آقاجمال خوانساری». *متن پژوهی ادبی*. س ۱۸. ش ۵۹. صص ۲۶-۲۷.
- ----- و محبوبه حیدری (۱۳۹۱). *ادبیات مکتب‌خانه‌ای ایران*. تهران: چشمه.
- رستگار فسایی، منصور (۱۳۸۲). *دیوان ابواسحاق اطعمه*. تهران: میراث مکتوب.
- رضوی، سیدمسعود (۱۳۸۸). «آقاجمال خوانساری و *عقایدالنسا*». *اطلاعات حکمت و معرفت*. ش ۳۷. صص ۵۶-۶۰.
- سانسون (۱۳۴۶). *سفرنامه*. ترجمه احمد تفضلی. تهران: بی‌نا.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۸). «گزارشی از *کلثوم‌ننه*». *آیین پژوهش*. ش ۵۵-۵۶. صص ۲۷-۳۲.
- سیوری، راجر (۱۳۷۲). *ایران در عصر صفوی*. ترجمه کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز.
- شاردن، ژان (۱۳۴۵). *سیاحت‌نامه شاردن*. ج ۸. ترجمه محمد عباسی. تهران: امیرکبیر.
- صدریان، محمدرضا (۱۳۸۹). «تحلیل تعاریف نقیضه». *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*. ش ۱۸. صص ۱۷۱-۲۰۲.
- عبید زاکانی (۱۹۹۹). *کلیات عبید زاکانی*. به‌کوشش محمدجعفر محجوب. نیویورک: بی‌نا.

- کتیرایی، محمود (۱۳۷۸). *از خشت تا خشت*. تهران: ثالث.
- قاسمی‌پور، قدرت (۱۳۸۸). «نقیضه در گستره نظریه‌های معاصر». *نقد ادبی*. س ۲. ش ۶. صص ۱۲۷-۱۴۷.
- نیکوبخت، ناصر (۱۳۸۸). *هجو در شعر فارسی*. تهران: دانشگاه تهران و کاشان.
- Abrams, M. H. (2005/1384). *A Glossary of Literary Terms*. Tehran: Zemestan.
- Searl, J. (1975). *Indirect Speech Acts*. Tudelf .vol. 3. PP. 59-82.

